

خروج یا بروج؟

فرزاد ضیائی حبیب آبادی

شد از خروج ریاحین چو آسمان روشن زمین به اختر میمون و طالع مسعود شصت و چند سال پیش که شادروان علامه محمد قزوینی نسخه خطی مورخ ۸۲۷ هجری متعلق به مرحوم عبدالرحیم خلخالی را اساس کار خود در تصحیح دیوان حافظ قرارداد، چون به بیت بالا رسید، به پیروی از آن نسخه که متعاقباً به صورت عکسی هم چاپ شد، ضبط خروج را در متن جای داد و فروغ (نسخه‌های خ و ق) و بروج (بعضی نسخ دیگر) را در حاشیه. (← دیوان حافظ، نسخه خلخالی؛ دیوان حافظ، تصحیح قزوینی - غنی) پیش‌تر از آن، خلخالی (۱۳۰۶) و پژمان بختیاری (۱۳۱۵) ضبط خروج را برگزیده بودند (نیکنام، ص ۱۰ و ۱۱). اما تقریباً همه مصححان دیگر از جمله خانلری، نیسانی، عیوضی (در هر سه چاپ)، جلالی نائینی و نورانی وصال، نذیر احمد، مسعود فرزاد، انجوی (چاپ جدید)، ایرج افشار، یحیی قریب، سایه، و مجاهد ضبط بروج را بر خروج ترجیح داده‌اند (← دیوان حافظ به تصحیح هر یک از نامبردگان). وجه ترجیح آنان، علاوه بر ضبط اکثر نسخ، لایذ مناسب آشکار لفظ بروج با آسمان، زمین، اختر میمون، و طالع مسعود بوده است چنان‌که، در حاشیه چاپ قریب، به همین معنی اشاره شده است. در شروح نیز، ضبط‌های دیگر غیر از خروج معتبر شمرده شده است. در شرح خطیب رهبر آمده است:

خروج ریاحین: بیرون آمدن گل‌ها و گیاهان خوشبو. در نسخه بدل فروغ به جای خروج آمده که

بر متن ترجیح دارد. معنی بیت: از فروغ گل‌ها و گیاهان خوشبو و تأثیر ستاره فرخنده و اختر سعد زمین چون آسمان نورانی گشت. (دیوان حافظ، تصحیح خطیب رهبر، ص ۲۶۹)
سودی جانب بروج را گرفته و نوشته است:

زمین از برج‌های ریاحین چون آسمان روشن شد با اختر میمون و طالع مسعود. (سودی، ج ۲، ص ۱۲۵۸)

در لطف سخن حافظ از محمود رکن آمده است:

آشکار است که خروج تصحیف بروج است. (رکن، ص ۲۶۹)

که ظاهراً مراد تحریف بوده است نه تصحیف.

اما مفصل‌ترین شرحی که نگارنده این سطور در این باره خوانده در حافظ جاوید نوشته هاشم جاوید مندرج است که جانب بروج ریاحین را گرفته و نوشته است:

یک معنی برج هم در شعر خواجه معنی نجومی آن است... حافظ، در این بیت، به سه آیه قرآن نظر داشته است: وَ لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ (حجر، آیه ۱۶)؛ و آیه اول سوره بروج وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ؛ و آیه دیگری که مخصوصاً الهام‌بخش این شعر شده است تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا (فرقان، آیه ۶۱). (جاوید، ص ۳۹)

و بیت را چنین معنی کرده است:

از تافتن گل‌ها و درخشش آنها باغ و چمن، همچون آسمان، که از ستارگان نورانی است، روشن و تابناک شده است. گل‌ها ستارگان سعد و اختران خوش‌خبرند که با شکفتن خود مزده خوش‌سرانجامی جهان آورده‌اند و زمین از پرتو نوید آنان به امید شادی و بهروزی روشن است. (همان، ص ۴۰)

و افزوده است:

اصطلاحات اختربینی آن زمان، یعنی «طالع مسعود» و «اختر میمون» با «بروج» و «آسمان» نشانه پیوند این شعر با ستارگان و برج‌هاست. (همان‌جا)
بروج هم دو معنی دارد و معنی دیگر آن ظهور و بروز و خودنمایی است. عرب‌ها وقتی زنی زیبایی‌های خود را به نمایش می‌گذاشت و جلوه‌گری می‌کرد می‌گفتند: بَرَجَتِ الْمِرْأَةُ، آن زن خودنمایی و جلوه‌فروشی کرد.^۱ (همان، ص ۴۱)

۱) در فرهنگ‌ها بروج را به معنی «ظهور و بروز و خودنمایی» نیافتیم. آنچه این معنی را افاده می‌کند تَبَرُّجٌ

با معنی دیگر بروج، که ظهور و خودنمایی است، حاصل شعر این می‌شود که از جلوه‌فروشی و خودنمایی گل‌های نویدبخش بهار، خاک نیک‌بخت و زمین خوش‌فرجام همچون آسمان خندان و تابناک شد. (همان، ص ۴۱ و ۴۲)

با دقت بی‌مانندی که حافظ در آوردن مضامین قرآنی دارد، کلمه بروج را در این بیت با آسمان روشن آورده است. با این نازک‌کاری، روشن را جایگزین و برابر کلمه منیر آیه ۶۱ سوره حجر کرده تا اهل اشارت را بشارتی باشد. (همان، ص ۴۱)

آن‌گاه به بیت

باغ آسمانِ دیگر و از انجمِ نبات
 طالع شده به روز و شب اشکالِ اخترش

از دقایقی مروزی، شاعر قرن ششم، اشاره کرده است. مقاله جاوید با مقایسه شعر دقایقی مروزی و بیت حافظ پایان می‌پذیرد.

آقای جاوید، همچون بعضی شارحان دیگر، در ردّ ضبط خروج نیز اظهار نظر کرده است. (همان، ص ۳۹-۴۲)

توضیحات مفصل آقای جاوید درباره بروج صحّت ضبط خروج را نفی نمی‌کند چون، از قضا، همه ویژگی‌هایی را که برای بروج برشمرده در خروج نیز می‌توان یافت به این معنی که خروج و مشتقات آن هم واژه‌های قرآنی‌اند و هم با زمین و رویدنی‌ها و آسمان و کواکب ربط دارند.

خروج، واژه‌ای قرآنی

واژه خروج و مشتقات آن در آیات متعدّد قرآن، در رابطه با رویدنی (شجره، نبات، حبّ، حبّ الحَصید) و زمین (ارض) آمده است. (مؤمنون ۲۳:۲۰؛ روم ۱۹:۳۰؛ صافات ۳۷:۶۴؛ ق ۵:۹ تا ۱۱؛ نیا ۷۸:۱۵؛ اعلیٰ ۸۷:۴)

۱۱ است چنان‌که مثلاً در اساس البلاغة آمده است: خَرَجْنَ مُتَبَرِّجَاتٍ مُتَفَرِّجَاتٍ. در قاموس المحيط آمده است: تَبَرَّجَتْ: أَظْهَرَتْ زِينَتَهَا لِلرِّجَالِ. و إذا أَبَدَتِ الْمَرْأَةُ مَحَاسِنَ جِيدِهَا وَ وَجْهَهَا، قِيلَ قَدْ تَبَرَّجَتْ. بیهقی، در تاج المصادر، تَبَرُّجَ را «خویشتن برآستن» و زوزنی در کتاب المصادر، «خویشتن برآستن زن» معنی کرده است. و در لسان العرب (ذیل ب ر ج): التَّبَرُّجُ: إِظْهَارُ الْمَرْأَةِ زِينَتِهَا وَ مَحَاسِنِهَا لِلرِّجَالِ وَ تَبَرَّجَتِ الْمَرْأَةُ: أَظْهَرَتْ وَجْهَهَا.

«خروج» در قوامیس عرب

در قاموس‌های عربی نیز، خروج و مشتقات آن در رابطه با ارض، نبات، زراعه، غراسه، سماء، سحابه، نجوم با شواهدی ذکر شده است. (← لسان العرب، ذیل اب ن، ح ق ل، خ ر ج؛ اساس البلاغه، ذیل خ ر ج)

از جمله در لسان العرب، ذیل خ ر ج آمده است:

و النُّجُومُ تُخْرَجُ اللَّوْنُ فَتَلَوْنَ بِلَوْنَيْنِ مِنْ سَوَادِهِ وَ بِيَاضِهَا، قَالَ:
إِذَا اللَّيْلُ عَشَاها وَ خَرَجَ لَوْنُهُ نُجُومٌ كَأَمْثَالِ الْمَصَابِيحِ تَخْفِقُ

«آن‌گاه که شب ستارگان را فرو پوشید و رنگش با ستارگانی که همچون چراغ‌ها سوسو می‌زدند، سیاه و سپید شد.»

مهم‌ترین اصل در تصحیح انتقادی

یگانه نسخه‌ای که، در بیت مورد بحث، ضبط خروج را آورده نسخه خطی مورخ ۸۲۷ خلخالی است.

ظاهراً واژه خروج، برای کاتبان، ضبط ناآشنا بوده و اختیار ضبط بروج ریاحین را به لحاظ تناسب آن با واژه‌های دیگری از بیت (آسمان، زمین، اختر، طالع) مرجح شمرده‌اند. اما، در تصحیح انتقادی متون، اصل رحان ضبط غریب و ناآشنا (قرائت دشوار lectido difficilior) است چون احتمال تبدیل آن به دست کاتب به ضبط مأنوس قوی‌تر است. خروج در شعر حافظ یکی از مصداق‌های ضبط ناآشناست. کاربرد این واژه در شعر شاعران پیش از حافظ و پس از او در رابطه با رستنی‌ها و اجرام فلکی شواهد متعدّد دارد که برخی از آنها نقل می‌شود:

بر فلکِ چارمین عیسی موقوف را وقتِ خروج آمدست منتظرِ رایِ توست

(سنائی، دیوان، ص ۸۱۰)

فلکِ ثامن است جای بروج واندر او هفت را دخول و خروج

(همو، حدیقه، ص ۶۹۹)

در خُفیه گر نه عزمِ خروج است باغ را چون آبگیرها همه پُرتیغ و جوشن است؟

(انوری، ص ۳۲۲)

از اقالیم نفاذ تو توقف را خروج	در گلستان بقای تو تباهی را زکام (همان، ص ۸۳)
بر محیط فلک عروج کند	وز مسام ملک خروج کند (اوحدی، ص ۵۲۶)
به خروج و فلک نوشتن تو	به عروج و به بازگشتن تو (همان، ص ۴۸۹)
ور آفتاب جانها خانه نشین بُدی	در بند فتح باب و خروج و دخولمی (کلیات شمس، ج ۶، ص ۲۲۹)
منهدم از عروج او قبه قصر قیصران	منهزم از خروج او خسرو خطه خطا (خواجو، ص ۱)
خروج می کند از بیضه آتشین نفسی	همیشه باغ به زاغ و زغن نمی ماند (صائب، ج ۴، ص ۱۸۷۷)
طلایه دار سپاه حبش که بود قمر	ربود رنگ ز رویش خروج شاه ختا (محتشم کاشانی، ص ۲۷۹)
مهر منور خروج کرد ز خاور	بر صفت کاوه از دیار سپاهان (قآنی، ص ۶۶۰)

این هم شواهدی از کاربرد خروج در شعر عرب^۲:

مِنْ كُلِّ أبيض يُسْتَضَاءُ بِوَجْهِهِ	نَظَرَ الْحَجِيجِ إِلَى خُرُوجِ هِلَالٍ
(جریر)	(جریر)
خَرَجْنَ إِلَيْنَا عَلَى رِقَبَةٍ	خُرُوجِ السَّحَابِ لِأَمْطَارِهَا
(عروة بن اذينة)	(عروة بن اذينة)
يَلُوحُ بِهَا الْمُدَلَّقُ وَمِذْرِيَاءُ	خُرُوجِ النُّجْمِ مِنْ صَلَعِ الْغِيَامِ
(ابو حنيفة النميري)	(ابو حنيفة النميري)
خَرَجْنَ خُرُوجَ الْانْجُمِ الزُّهْرِ فَالْتَقَى	عَلَيْهِنَّ مِنْهُنَّ الْمَلَاخَةُ وَالشَّكْلُ
(صريع الغواني)	(صريع الغواني)
تَسْجَلِي لَنَا مِنْ سِجْنِهِ وَهُوَ خَارِجٌ	خُرُوجِ شُعَاعِ الشَّمْسِ مِنْ جَانِبِ الدَّجَنِ
(البختری)	(البختری)

(۲) اشعار عربی از الموسوعة الشعرية، اصدار ۳، المجمع الثقافي، ۱۹۹۷-۲۰۰۳ استخراج و نقل شده است.

فرجام سخن

در آنچه گذشت، کوشیدم این معنی را بیان کنم که اختیار ضبط خروج به جای بروج، به خلاف نظر آقای جاوید، رشته پیوند سخن حافظ را با آیه‌های قرآن و مضامین زیبای آن نمی‌گسلد و راه را بر پرواز خیال در آسمان و ستارگان نیز نمی‌بندد بلکه معنی و مضمون شعر را روشن‌تر و تابناک‌تر می‌سازد.

اما همه آنچه به موافقت با ضبط خروج گفته شد به معنای نفی ضبط بروج نیست. با توجه به تناسب آشکار میان زمین، آسمان، روشن، اختر و طالع با بروج، چه بسا خواجه ابتدا بروج را در بیت نشانده و در بازبینی‌های بعدی، چنان‌که ظاهراً شیوه او بوده است، لفظ خروج را برگزیده و جانشین بروج ساخته باشد. در هر حال، پیداست که خروج هم با کلمات دیگر بیت رابطه‌ای نهانی دارد و هم کوچک‌ترین خللی در معنای شعر وارد نمی‌کند و نشان از هنر خواجه و انس او با مضامین قرآنی و تتبع او در اشعار شاعران عرب و عجم نیز دارد. باری، آوردن بروج با زمین، آسمان، روشن، اختر، و طالع از هر شاعری برمی‌آید اما اختیار خروج، در این بافت، پشتوانه ادبی پرمایه‌تری می‌خواهد که هر شاعری از آن برخوردار نیست.

منابع

- اساس البلاغة، علامة جلاله ابی القاسم محمود بن عمر الزمخشري، دارصادر، بیروت ۱۳۹۹هـ/ ۱۹۷۹م.
انوری، دیوان، به تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، ۲ جلد، علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۲.
اوحدی مراغی، دیوان، به تصحیح سعید نفیسی، امیرکبیر، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۵.
تاج المصادر، ابوجعفر احمد بن علی بن محمد المقرئ البیهقی، به تصحیح و تحشیه و تعلیق هادی عالم‌زاده، ۳ جلد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۷۵.
جاوید، هاشم، حافظ جاوید (شرح دشواری‌های ابیات و غزلیات دیوان حافظ)، فرزانه، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۷.
حافظ به سعی سایه، نشر کارنامه، چاپ هفتم، تهران ۱۳۷۷.
خواجوی کرمانی، دیوان، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، پاژنگ، با همکاری مرکز کرمان‌شناسی، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۴.
دیوان حافظ، به تصحیح ابوالقاسم انجوی شیرازی، زیر نظر مهدی پرهام، ویراستار: ولی‌الله درودیان، شهاب‌ثاقب، تهران ۱۳۸۲.
دیوان حافظ، به اهتمام سید محمدرضا جلالی نائینی و نذیر احمد، امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران ۱۳۶۲.
دیوان حافظ، به تصحیح و تحقیق و مقدمه محمدرضا جلالی نائینی و نورانی وصال، انتشارات سخن و نشر نقره، تهران ۱۳۷۲.

- دیوان حافظ، به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، ۲ جلد، خوارزمی، تهران ۱۳۷۵.
- دیوان حافظ، به تصحیح خلیل خطیب رهبر، صفی‌علیشاه، چاپ هفدهم، تهران ۱۳۷۵.
- دیوان حافظ، تدوین سلیم نیساری، ۲ جلد، سینانگار، تهران ۱۳۷۷.
- دیوان حافظ، عکس نسخه ۸۲۷ خلخالی، به اهتمام شمس‌الدین خلخالی، تهران ۱۳۶۹.
- دیوان حافظ، تدوین و تصحیح رشید عیوضی، ۲ جلد، صدوق، تهران ۱۳۷۶.
- دیوان حافظ، تدوین و تصحیح رشید عیوضی، امیرکبیر، چاپ دوم با ویرایش جدید، تهران ۱۳۸۵.
- دیوان حافظ، به تصحیح رشید عیوضی و اکبر بهروز، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز ۱۳۵۶.
- دیوان حافظ، به تصحیح قزوینی - غنی، با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی، به اهتمام ع. جریزه‌دار، اساطیر، تهران ۱۳۶۷.
- دیوان حافظ، به تصحیح احمد مجاهد، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۹.
- دیوان کهنه حافظ، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۸.
- دیوان حافظ، به تصحیح یحیی قریب، صفی‌علیشاه، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۶.
- رکن، محمود، لطف سخن حافظ (گزیده بهترین ضبط اشعار مورد اختلاف و شرح ابیات مشکل و واژه‌ها)، فؤاد، تهران ۱۳۷۵.
- سنائی، حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، به تصحیح و تحشیة محمدتقی مدرّس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، تهران ۱۳۷۷.
- سنائی، دیوان، به تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، سنائی، چاپ چهارم، تهران [بی تا].
- سودی بُسنوی، محمد، شرح سودی بر حافظ، ترجمه عصمت ستارزاده، سریر، چاپ پنجم (چاپ اول سریر)، تهران ۱۳۷۸.
- صائب تبریزی، دیوان، به تصحیح محمد قهرمان، ۶ جلد، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۳.
- فرزاد، مسعود، اصالت و توالی ابیات در غزل‌های حافظ، انتشارات دانشگاه پهلوی شیراز، شیراز ۱۳۵۳.
- قائنی، دیوان، به تصحیح محمدجعفر محجوب، امیرکبیر، تهران ۱۳۳۶.
- القاموس المحیط، مجدالدین محمد بن یعقوب الفیروزآبادی، إعداد و تقدیم: محمد عبدالرحمن المرعشلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۲/هـ ۲۰۰۱ م.
- کتاب العین (ترتیب کتاب العین)، خلیل بن احمد الفراهیدی، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، تصحیح الاستاذ اسعد الطیب، ۳ جلد، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، الطبعة الثانیة، قم ۱۴۲۵ هـ.
- کتاب المصداق، قاضی ابو عبدالله حسین بن احمد زوزنی، به تصحیح تقی بینش، البرز، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۴.
- کلیات شمس، با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، ۱۰ جلد، امیرکبیر، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۳.
- لسان العرب، للامام العلامة ابن منظور، اعتنی بتصحيحها: امین محمد الوهاب و محمد الصادق العبيدی، ۱۸ جلد، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی، الطبعة الثانیة، بیروت [بی تا].
- محتشم کاشانی، دیوان، به تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند، نگاه، تهران ۱۳۷۹.
- منوچهری دامغانی، دیوان، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، زوّار، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۱.
- نیکنام، مهرداد، کتاب‌شناسی حافظ، مرکز حافظ‌شناسی، ویرایش دوم، شیراز ۱۳۸۱.

